

نویسند: بهادر ا کومار

از نشریه پنج لاین

بر گردان: بشیر جمال زاده

ابتکار منطقوی در رابطه با صلح در افغانستان از دید می یابد

پروسه ی صلح افغانستان بصورت قابل توجهی در هفته گذشته سرعت گرفته است. همزمان با بازدید نمایندگان طالبان از ایران در هفته گذشته، نشست بین نمایندگان دولت افغانستان و طالبان صورت گرفت که نخستین نشانه های یک آتش بس را در آینده نزدیک برای نخستین بار کاملاً امکان پذیر می سازد.

من در هفته گذشته نوشته بودم که مذاکرات بین تهران و طالبان باید با در نظر داشت امکانات تجدید همسوییها در سیاست منطقوی که بر محور حسن تفاهم بین چین افغانستان و پاکستان می چرخد، مطالعه گردد. امکان آن وجود دارد که پیکنگ؛ کابل و اسلام آباد در مورد هماهنگی ایران با طرح تقویه امنیت و ثبات منطقوی شان علاقمندی نشان دهند. تهران همیشه طرفدار یک طرح جامع منطقوی در مورد افغانستان بوده است.

به اساس گزارش وال ستریت ژورنال، یک نشست دیگر بین نمایندگان دولت افغانستان و طالبان در شهر اورومچی ایالت شینجیانگ صورت گرفته است. در گزارش آمده است که افسران استخباراتی چین و پاکستان امکانات این نشست را فراهم ساخته اند. این به ذات خود یک پیشرفت فوق العاده است. همزمان با آنکه چین به طرف یک موضع فعال در مورد مذاکرات صلح گام برمی دارد؛ پاکستان هم، چین را درین راستا تشویق می نماید.

برگزاری این نشست در اورومچی شکل سمبلیک قوی را با خود دارد زیرا شینجیانگ با تهدید رو به از دید تروریزم که از منطقه پاکستان و افغانستان سرچشمه می گیرد روبروست.

بصورت واضح تصمیم رییس جمهور غنی مبنی بر اینکه ریاست امنیت ملی افغانستان با ای اس ای موافقتنامه همکاری امضا نمایند. دور اندیشی وی را نشان می دهد.

بدون شک، رییس جمهور غنی بیشتر از اندازه پیشروی نمود تا کمبود اعتماد را در روابط افغانستان و پاکستان از میان بردارد. اما تلاشهای وی برای قانع ساختن ای اس ای و اردوی پاکستان؛ تا بصورت محسوس مذاکرات با طالبان را آغاز نمایند؛ با انتقاد روبروست. او اجندای کرزی رییس جمهور قبلی افغانستان را که می خواست؛ پاکستان را بی ثبات بسازد کاملاً بدور انداخته و با ابتکارش زمین را در زیر پای گروه های علاقمند خالی ساخته است.

یقین کامل است در صورتیکه طالبان با حملات بهاری خود با شدت فعلی ادامه دهند؛ این پروسه نو پا که توسط رییس جمهور غنی به یک جهت مثبت آغاز گردیده، نمی تواند پیشرفتی داشته باشد. خطر اصلی اینست آنانی که منافع شان در ادامه ی نا امنی است (در داخل و خارج افغانستان) ممکن است از خراب

تر شدن وضع امنیتی بهره برداری نموده و پالیسی های رییس جمهور غنی در برابر پاکستان را از زیر تخریب نمایند.

یک کمپاین منفی در جریان است که گویا رییس جمهور غنی در رابطه با اعتماد به پاکستان خوشبینانه بر خورد می نماید و این کمپاین آهسته بطرف یک نقطه عطف به پیش می رود و توسط افراد ذینفع به اوج آن رسانیده می شود.

در عین زمان یک خواست مشترک در این جریان عرض وجود نموده که نیرو های امریکایی باید دوباره نقش محاربوی خود را از سر گیرند تا با طالبان بجنگند. چنین تقاضای حیثیت موسیقی را به مردگان پنتاگون و سی ای ای دارد.

البته همه اینها با کمپاین پروپاگندی مخلوط می گردد که گویا داعش برای خود در افغانستان جای پای پیدا نموده و حضور نظامی دراز مدت غرب توسط ائتلاف غرب در منطقه یک ضرورت حتمی است.

مشکل است بتوان قضاوت نمود که این کمپاین چندین جانبه تا چه اندازه از جانب امریکایی ها تشویق و راه اندازی گردیده است.

این حقیقت بجای خود باقی می ماند که در طی سالها در درون دولت امریکا در رابطه با مسأله افغانستان اختلافاتی وجود داشته و پنتاگون همیشه علاقمندی خاص خودش را در مناطق جنگزده تعقیب می نماید.

اگر قرار باشد بر اساس تبصره ای که هفته ی گذشته از طریق رادیوی اروپای آزاد و رادیوی آزادی که هر دو توسط دولت امریکا تمویل می گردند و رابطه با استخبارات امریکا دارند، نشر شد قضایا را بررسی کنیم با تصمیم رییس جمهور غنی در رابطه با همبستگی ریاست امنیت ملی افغانستان و ای اس ای توسط بعضی از بخشهای از درون دولت امریکا با ناراحتی برخورد گردیده است .

این تبصره در حقیقت رییس جمهور غنی را متوجه آن می سازد که وی باید بداند که چه چیزی برایش خوب است. و آن را از طریق نشان دادن درز های که در ساختار قدرت در افغانستان ایجاد شده به نمایش گذاشته است. این عمل می تواند یک جنگ روانی و یا تهدید غیر مستقیم به رییس جمهور غنی باشد؛ اما به هر صورت بیانگر است که رییس جمهور غنی ممکن است خودش شخصاً در رابطه ریاست امنیت ملی و ای اس ای تصمیم گرفته باشد و این تصمیم بر اساس دیدار شخصی وی با رهبر ای اس ای و اردوی پاکستان گرفته شده باشد.

بهر صورت گردهمایی بازیگران عمده منطقه ای مثل چین پاکستان و ایران چیزی نیست که از توجه و آشنگتن دور بماند . آنچه امریکا تا حال از آن ترس داشت در واقع چیز نیست که همین اکنون در حال وقوع است و آن یک ابتکار صلح منظوقی برای افغانستان است که در یک مقطع زمانی بین حال و ختم سال ۲۰۱۶ شکل می گیرد . که در آن صورت و آشنگتن نقش اساسی خواهد داشت و این کار و آشنگتن را از داشتن یک بهانه برای حضور نظامی دراز مدت امریکا و ناتو را در منطقه محروم خواهد ساخت .

از اینرو، آنچه پاکستان از نظر منطقی درین مقطع زمانی باید انجام دهد اینست که، طالبان را ترغیب نماید تا حملات بهاری خود را متوقف سازند. یا اگر بصورت ایده ال صحبت نماییم طالبان را وادار کند تا به یک آتش بس در افغانستان موافقه نمایند، که در این صورت از فشار بالای رییس جمهور غنی (چه در داخل و یا خارج افغانستان) جلوگیری صورت خواهد گرفت.

از جهت دیگر اگر جریان خشونت به همین شکل ادامه یابد، رهبری رییس جمهور غنی تحت فشار روز افزون قرار خواهد گرفت زیرا عناصر سیاسی ناراضی (با حمایت قدرت های خارجی) رهبری وی را بصورت رو به ازدیادی بی اعتبار می سازند و امریکا هم از فرصت استفاده نموده و در یک مقطع زمانی مجدد با به اختیار گرفتن مرکز صحنه هر عملیه صلح در افغانستان را در انحصار خود قرار دهد.

در صورت وقوع چنین چیزی جریان نو پای صلح منطوقی با شرکت چین و ایران در نطفه بیرنگ ساخته خواهد شد.

بصورت خلاصه مسؤلیت بدوش رهبری ملکی و نظامی پاکستان است، تا به افکار عامه در افغانستان و منطقه و جامعه بین المللی نشان دهد که حرکت جسورانه ی رییس جمهور غنی در رابطه با تفاهنامه بین ریاست امنیت ملی و ای س ای مورد حمایت قرار دارد . تنها زمان محک این موضوع خواهد بود.

البته این همچنان به نفع قدرتهای منطوقی بدون (استثنا) است تا امروز از رییس جمهور غنی حمایت نمایند. با در نظر داشت اینکه روش جسورانه و خطرناک وی بصورت قاطع به جنگ خاتمه می بخشد و این در حقیقت بهترین خبری خواهد بود که طی دهه ها از افغانستان سر می زند اما فراموش نباید کرد که اگر خواهش بال میداشت گوسفند پرواز می کرد .

بصورت همه جانبه آخرین گزارشی که امروز در پاکستان نشر شد . پاکستان از رهبری طالبان خواسته است تا حملات بهاری خود را قطع نمایند بر این امر تاکید دارد که ممکن لحظات تعیین کننده را در اختیار دارد .